

دفاع از مسلمان مظلوم از دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین سید تقی واردی*

اشاره

دفاع از مظلوم، امری فطری و عقلانی است که تمامی ادیان و مذاهب الهی بر آن تأکید دارند. دین اسلام بر مبنای عقل، فطرت و شریعت الهی، اهمیت ویژه‌ای به دفاع از ستمدیدگان به‌ویژه مسلمانان تحت ظلم می‌دهد. آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام نشان‌دهنده وجوب دفاع از مظلومان در جایگاه یک تکلیف انسانی و شرعی است. فقیهان اسلامی مذاهب مختلف با استناد به قرآن و احادیث، حکم به وجوب شرعی دفاع از انسان مظلوم به‌ویژه مسلمانان داده‌اند و این عمل را جزء جهاد دفاعی و واجب کفایی برای عموم مسلمانان برشمرده‌اند. آشنایی با دیدگاه‌های فقیهان شیعه و اهل سنت و انتشار آن در عصر کنونی که مسلمانان در مواجهه با ظلم بیگانگان قرار گرفته‌اند، می‌تواند به آگاهی و تلاش برای دفاع از مسلمانان مظلوم در کشورهای همچون فلسطین، یمن و افغانستان کمک کند. این نوشتار در دو محور اصلی، دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی در وجوب دفاع از مسلمانان مظلوم را بررسی می‌کند.

محور اول: احکام فقهی ایجابی در یاری مسلمان مظلوم

وجوب دفاع از مظلوم و تقویت روحیه ظلم‌ستیزی در اسلام کاملاً صریح و شفاف است. در این دین هرگونه تمایل به ظلم و حمایت از ظالمان، گناه و معصیت به شمار می‌آید و پیامدهای منفی برای انسان در دنیا و آخرت به همراه دارد. امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در بیان ارزش دفاع از مظلوم فرموده‌اند:

دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه‌پذیرفتن از زورمند و زرمند و پافشاردن بر حقیقت، ارزش‌هایی است که هیچ‌وقت در دنیا کهنه

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نمی‌شود. در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون، این خصوصیات همیشه با ارزش است. ما اینها را باید دنبال کنیم...^۱.
فقیهان اسلامی این بحث را در سه فرع ذیل بررسی کرده‌اند و فتوا داده‌اند.

۱. وجوب ایستادگی مظلومان در برابر ظالمان

از دیدگاه اسلام، ستم‌دیدن همانند ستمگری ناپسند و محکوم است و به هر کسی ظلم و تعدی شده است، باید قبل از هر کسی و هر چیزی خودش اقدام به دفع ظلم کند. دفع ظلم، فرمان الهی است که در قرآن به صراحت بیان شده است. خداوند در مرحله نخست، تکلیف مردم با ظالمان را چنین بیان می‌فرماید: «وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۲ به راستی که خدا هیچ‌گاه ستمگران را دوست ندارد». در واقع این آیه بیان‌کننده این نکته است که مظلومان و ستم‌دیدگان بدانند خدا با ظالمان نیست و آنان را دوست ندارد. پس هر کسی که دل به خدا دارد، نباید با ظالمان باشد یا آنان را دوست بدارد؛ یعنی باید در برابرشان ایستادگی و دشمنی کند. همچنین خداوند می‌فرماید: «أُذِّنُ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۳ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردید، اجازه جهاد داده شده است؛ چراکه به آنان ستم شده است. و خدا بر یاری آنها تواناست». خداوند در آیه‌ای دیگر - ضمن بیان وجوب دفاع از مظلومان - کسانی را سرزنش می‌کند که از مظلومان دفاع نمی‌کنند: «وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^۴ چرا در راه خدا و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهر [مکه] که اهلسش ستمگرند، بیرون ببر؛ و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده؛ و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما». طبری^۵ و فخر رازی بر اساس آیه یادشده، جهاد (رهایی‌بخش) را واجب می‌دانند و در شرایطی که زنان، مردان و کودکان

1. <https://farsi.khamenei.ir =25931>

۲. آل عمران: ۵۷؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۱۱.

۳. حج: ۳۹؛ ر.ک به: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۳؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۳۵.

۴. نسا: ۷۵.

۵. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۲۷۹.

زیر ستم به نهایت ناتوانی رسیده‌اند، هیچ عذری در ترک آن جهاد پذیرفته نیست.^۱

امام خمینی علیه السلام درباره وجوب ایستادگی در برابر ظلم می‌فرماید: «کوشش همه مردم باید این باشد که زیر بار ظلم نروند. همان طوری که ظلم حرام است، زیر بار ظلم رفتن هم حرام است. مظلوم شدن غیر از زیر بار ظلم رفتن است. آدم باید تا آنجا که قدرت دارد، زیر بار ظلم نرود».^۲

همچنین ایشان می‌فرماید: «اگر فردی مورد حمله یک دزد یا هر شخص دیگری قرار گیرد و برای او به طور ناعادلانه‌ای تهدید به مرگ صورت گیرد، او موظف است با هر وسیله ممکن از خود دفاع کند، حتی اگر به قتل مهاجم منجر شود. تسلیم شدن و ظلم را پذیرفتن جایز نیست».^۳

جزیری می‌نویسد: «فقیهان اسلامی اتفاق دارند که اگر مردی با فردی مواجه شود که قصد دارد مال او را بگیرد یا او را بکشد، چه در شهری که کمک‌رسانی وجود دارد و چه در بیابانی که کمک‌رسانی نیست و نیز اگر شخصی بخواهد به حریم او تعرض کند، اختیار با اوست که با مجرم صحبت کند و از مسلمین یا نظامیان کمک بخواهد. اگر او مانع شد یا از این کار امتناع کرد و به او حمله نکرد، مرد نیز حق ندارد به او حمله کند. اما اگر مجرم از امتناع سر باز زد و به او حمله کرد برای گرفتن مال، کشتن او یا یکی از اعضای خانواده‌اش یا ورود به حریم او (همسر ...)، یا اگر دزدی با هدف ورود به خانه برای ارتکاب فحشا یا تجاوز به یکی از آنها به خانه نزدیک شود، بر سرپرست خانواده واجب است که با تمام توان و سلاح خود از آنها دفاع کند».^۴

ابوالحسن ماوردی از فقهای شافعی مذهب نیز می‌گوید: «شهید مظلوم است و مظلوم می‌تواند در برابر ظالمی که قصد جاننش را نموده از خود دفاع کند و اگر ظالم کشته شود، ضمانتی و غرامتی برای خون او نیست».^۵ ابن حزم اندلسی نیز درباره دفاع شخص از خود در برابر ظلم ظالم می‌گوید: «فرض است که مظلوم باید به هر چیزی که می‌تواند برای دفاع از خود انجام دهد، به سرعت اقدام نماید».^۶

در هر صورت، راضی شدن به ظلم ظالمان و باقی ماندن در سیطره ظالمان، از نظر اسلام مردود و ممنوع است.

۱. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۴۱.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۶۴.

۳. همو، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۹.

۴. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۶۴.

۵. ابوالحسن علی بن محمد ماوردی، الحاوی الکبیر، ج ۱۳، ص ۱۲۶.

۶. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، المحلی بالآثار، ج ۱۱، ص ۳۱۴.

۲. وجوب یاری مظلومان بر عموم مسلمانان

اگر مظلوم نتواند از خود دفاع کند و در هنگام ظلم کشته شود، بر مسلمانان واجب است که از او دفاع و دادخواهی کنند. نخستین مسئولیت بر عهده ولیّ مظلوم است که باید از او حمایت نماید و قاتل را محاکمه کند. اگر قاتل غیر مسلمان باشد یا کشته‌شدگان مانند حوادث غزه بیش از یک نفر باشند، اولیای قربانیان حق دارند جنایت‌کاران را به محاکم بین‌المللی بکشانند. اگر چنین محاکمه‌ای امکان‌پذیر نباشد یا مستکبران مانع شوند، اولیای کشته‌شدگان باید به هر طریق ممکن حق خود را از جنایت‌کاران بستانند. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَأَنَّ مَعِي فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا؛^۱ هر که حق مظلوم را از ظالم بگیرد، در بهشت همراه من خواهد بود».

شیخ طوسی درباره‌ی دفاع از مظلومان می‌نویسد: «... باید ملت‌ها با یکدیگر متحد شوند تا از یکدیگر حمایت کنند، همکاری داشته باشند و از ظلم و ستم دوری کنند و در این راستا همچون یک دست واحد عمل کنند».^۲

همچنین امام خمینی رحمته‌الله درباره‌ی وجوب دفاع مسلمانان می‌فرماید:

اگر سرزمین‌های مسلمانان یا مرزهای آنها با دشمنی روبرو شود که بر اسلام و اجتماع آنها تهدیدی احساس می‌شود، بر آنها واجب است که با هر وسیله ممکن از جمله بذل اموال و جان‌های خود از آن دفاع کنند.^۳

امام خامنه‌ای رحمته‌الله درباره‌ی وظیفه مسلمانان در برابر ظالمان می‌فرماید: «... نظام سیاسی اسلام با ظالم مخالف است؛ خیلی ساده دستور دارد "و كُنَّا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا".^۴ به ما گفته‌اند "و كُنَّا لِلظَّالِمِ حَصْمًا". امیرالمؤمنین علیه‌السلام وصیتش به دو فرزندش ... این است که با ظالم دشمن باشید؛ با ظالم خصومت کنید "و لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا".^۵ آیت‌الله مکارم شیرازی درباره‌ی وجوب دفاع از مظلومان مسلمان و بلاد اسلامی می‌فرماید: «... اسلام مسلمانان را به مبارزه با ظلم و دفاع از مظلومان امر می‌کند و این شامل نجات مظلومان از دست ظالمین حتی اگر مظلوم غیر مسلمان باشد، نیز می‌شود. آیه شریفه‌ای از سوره "نساء" به‌وضوح بر این ادعا تأکید دارد: "وَمَا لَكُمْ لَا

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۹.

۲. محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، ص ۱۸۱.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۷.

۴. سیدرضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۲۱.

تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ...؛ با توجه به این آیه شریفه، تعجبی ندارد اگر ما شاهد باشیم که مردم ایران عزیز ندا دهند که از مظلومان در فلسطین، لبنان، افغانستان، عراق، بوسنی و دیگر ملل تحت ظلم دفاع کنند؛ زیرا آنها به مضمون این آیه عمل می‌کنند و باید سریعاً به ندهای هر مظلومی در هر نقطه از جهان از آمریکا تا آفریقا و از اروپا تا آسیا و استرالیا پاسخ دهند و کمک کنند تا او را از دست ظالمین نجات دهند. شگفت‌انگیز است که برخی کشورهای اسلامی نه تنها به حمایت از مسلمانانی که تحت ظلم در فلسطین قرار دارند، اقدام نمی‌کنند، بلکه به ایجاد روابط با دشمنان و تبادل سفرای با آنها مبادرت می‌ورزند و دست در دست یهودیان ظالم می‌گذارند تا دولت مردمی مظلوم فلسطین را سرنگون کنند.^۱

ابن حجر عسقلانی درباره حدیث نبوی ﷺ «انصر أخاك ظالماً أو مظلوماً»، می‌گوید: مردی گفت: ای رسول‌الله، اگر او مظلوم باشد، چگونه به او کمک کنم؟ و اگر او ظالم باشد، چگونه به او کمک کنم؟ پیامبر ﷺ پاسخ دادند: «از ظلم او پرهیز کن، زیرا این خود نصر اوست». گفتنی است این روایت را احمد از هشیم از عبیدالله نقل می‌کند و اسماعیلی نیز از طرق دیگری از هشیم به همین مضمون نقل کرده است.^۲ وی بعد از نقل این حدیث درباره یاری مسلمان مظلوم، می‌گوید: «عنوان "نصر المظلوم" یک وظیفه جمعی (فرض کفایی) است که برای همه مظلومان و همچنین ناصران استفاده می‌شود؛ به این معنا که فرض کفایی، بر همه واجب است و این نظریه قوی‌تر به نظر می‌رسد. این وظیفه گاهی بر افراد خاصی که توانایی انجام آن را دارند، واجب می‌شود... اگر فرد بداند یا به طور قوی گمان کند که عمل او فایده‌ای نخواهد داشت، وجوب آن ساقط می‌شود، ولی اصل استحباب باقی می‌ماند».^۳

شمس الأئمه سرخسی^۴ درباره لزوم دفاع از مظلوم از طریق قضاوت می‌گوید: «وَأَمَّا قَالَ مسروق ان القضاء يوما بالحق أحب إلي من أن أربط سنة لما في اظهار الحق من المنفعة للناس ودفع الظلم عن المظلوم واتصال الحق إلى المستحق ومنع الظالم عن الظلم واليه أشار النبي ﷺ في قوله عدل ساعة خير من عبادة سنة».^۵

۱. ناصر مکارم شیرازی، یسنلونک عن...، ص ۶۰.

۲. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۶، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۲۶۴.

۴. از عالمان حنفی مذهب.

۵. محمد بن احمد شمس الأئمه سرخسی، المبسوط، ج ۱۶، ص ۷۲.

۳. وجوب دفاع از مظلومان توسط حکومت

افزون بر عموم مردم، حکومت اسلامی و دولت‌های مسلمان نیز واجب است از مظلومان کشور خود و دیگر مسلمانان جهان دفاع کنند و ریشه‌های ظلم را از میان آنان برچینند تا به هیچ‌کس و به هیچ‌وجه در حوزه حکومتی آنان ظلمی واقع نشود. خدای متعال از لسان ذوالقرنین می‌فرماید: «قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعْتَبُهِ ثُمَّ يُرْدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا؛^۱ گفت اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش باز می‌گردد و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد». آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام درباره وظایف دولت‌های مسلمان و رؤسای کشورهای اسلامی در دفاع از مسلمانان مظلوم می‌فرماید:

... رؤسای کشورهای اسلامی و نخبگان سیاسی و دینی و فرهنگی در دنیای اسلام وظایف سنگینی بر دوش دارند ، وظیفه دفاع قاطع از اقلیت‌های تحت ستم مسلمان، همچون مظلومان میانمار و غیره؛ و از همه مهم‌تر وظیفه دفاع از فلسطین و همکاری و همراهی بی‌چند و چون با ملت‌ی که نزدیک به هفتاد سال است برای کشور غصب‌شده خود مبارزه می‌کند.^۲

فقیهان شیعه، دولت‌های مسلمان را در ایفای حقوق مظلومان و محرومان تشویق می‌کنند و فتوا داده‌اند که برای نصرت مظلومان از هر راه ممکن استفاده نمایند؛ برای مثال شیخ طوسی درباره صرف بیت‌المال برای اجرت قاضیان جهت داوری و احقاق حقوق مظلومان نوشته است: «و لأن بیت المال للمصالح، و هذا منها بل أكثرها حاجة إليه، لما فيه من قطع الخصومات، و استيفاء الحقوق، و نصرة المظلوم و منع الظالم».^۳

جزیری نیز دیدگاه فقیهان اهل سنت در این مسئله را چنین بیان می‌کند: «فقیهان اتفاق نظر دارند که اگر مقتول مسلمان و بی‌گناه باشد و قاتل مکلف و عاقل و پدر یا جد مقتول نباشد، و نیز اگر مقتول دارای فرزندان ذکور بالغ و عاقل باشد که در مجلس قضا حاضر هستند و مطالبه قصاص کنند، بر حاکم واجب است حکم را بدون تأخیر اجرا کند، مگر اینکه قاتل زن حامله باشد که در این حالت، اجرای قصاص به تأخیر می‌افتد تا او زایمان کند و نوزاد خود را شیر دهد».^۴

۱. کهف: ۸۷؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۵۷.

2. <https://farsi.khamenei.ir/> =1016.

۳. محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۸، ص ۸۴.

۴. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۲۳۵.

محور دوم: احکام فقهی سلبی در مبارزه با ظالم

در دین اسلام و به تبع آن در منابع فقهی عالمان اسلام، احکام متعددی درباره مبارزه با ظلم و ظالمان وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۱. حرمت سکوت در برابر ظلم ظالمان

فقیهان مسلمان، سکوت ظلم‌شونده یا دیگر مسلمانان به‌ویژه عالمان اسلام و صاحبان اعتبار و احترام در جامعه در برابر ظلم ظالمان را حرام می‌دانند. امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله ذیل مباحث امر به معروف و نهی از منکر، در چند مسئله به این موضوع می‌پردازد و از جمله در مسئله‌ای می‌فرماید: «لو كان في سكوت علماء الدين ورؤساء المذهب - أعلى الله كلمتهم - تقوية للظالم وتأييد له - والعياذ بالله -، يحرم عليهم السكوت، ويجب عليهم الإظهار ولو لم يكن مؤثراً في رفع ظلمه؛^۱ بدین معنا که اگر سکوت عالمان و رؤسای دین باعث تقویت ظالم و تأیید آن شود، سکوت بر علما حرام است و بر آنان واجب است که سخن بگویند، حتی اگر این سخن گفتن تأثیری در برطرف کردن ظلم نداشته باشد».

در منابع اهل سنت نیز موارد فراوانی را در این مسئله می‌توان پیدا کرد؛ برای نمونه در مسند احمد بن حنبل آمده است: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْتَمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ»^۲ به‌راستی هرگاه مردم ظالمی را ببینند [که ظلم می‌کند] و در برابر او نایستند و از ظلم جلوگیری نکنند، به‌زودی عقابی فراگیر بر آنان نازل خواهد شد».

۲. حرمت کمک بر ظلم ظالمان

کمک بر ظلم ظالمان از سوی هرکسی که باشد، حرام است و فقیهان مسلمان بر آن اجماع و اتفاق دارند. آیت‌الله خویی علیه السلام در این باره می‌گوید: «اما کمک به ظالمان در ظلمشان، به‌روشنی جایز نیست و در این باره هیچ اختلافی میان مسلمانان وجود ندارد، بلکه این موضوع مورد توافق عقلای جهان نیز هست. بسیاری از خاصه و عامه به حرمت کمک به هر نوع حرام و حرمت مقدمات آن پایبند هستند».^۳ حجاوی مقدسی از عالمان حنبلی مذهب نیز می‌نویسد: «اگر ظالمی ظلم کند، نباید او را کمک کرد تا زمانی که از ظلم خود برگردد».^۴

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. احمد بن محمد ابن حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. سیدابوالقاسم خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۶۵۴.

۴. موسی بن احمد حجاوی مقدسی، الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۹۰.

۳. حرمت ظلم به مردم

همه فقیهان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، ظلم را به لحاظ عقلی قبیح و از حیث شرعی حرام می‌دانند و ظالمان را در آخرت مستحق عذاب الهی می‌دانند. ابن رشد اندلسی درباره حرمت و سوءعاقبت ظلم به دیگران، روایتی از ابن عباس درباره مشاهده‌های جناب جعفر طیار نقل می‌کند: وقتی جعفر بن ابی طالب از حبشه برگشت، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را در آغوش گرفت و میان دو چشمانش را بوسید و گفت: «جعفر شبیه‌ترین مردم به من از نظر خلق و خوی است. ای جعفر، چه چیز عجیبی در سرزمین حبشه دیدی؟» جعفر گفت: «ای رسول‌الله... زن سیاه‌پوستی را دیدم که بر سرش زنبیلی از گندم داشت. مردی بر روی حیوانش به او برخورد کرد و جعبه‌اش افتاد و دانه‌هایش پخش شد. آن زن به جمع‌آوری آن دانه‌ها از روی زمین پرداخت و گفت: وای بر ظالم از قاضی در قیامت، وای بر ظالم از مظلوم در روز قیامت، وای بر ظالم وقتی که صندلی قضاوت در روز قیامت قرار داده شود». سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خداوند امتی را که ضعیف‌ترین آنها حق خود را از قوی‌ترینشان بدون هیچ ترس و لرزی نگیرد، مقدس و سعادت‌مند نمی‌کند».^۱

شیخ صالح اللحیدان^۲ - بعد از انفجار برج‌های دوقلوی نیویورک آمریکا در سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی - آن را ظلم مسلم به انسانیت و افساد در ارض دانست و درباره‌اش این‌گونه فتوا داد: «چنین جنایتهایی که تفاوتی بین نوزاد و زن، پیر و سالخورده، بیمار و سالم قائل نیستند و بر دارایی و اهل آنها حمله می‌برند، از جمله جنایتهای بزرگ و فاحش و خطرناک به شمار می‌آیند؛ زیرا این امر در شریعت اسلام با عنوان فساد در زمین و نابودی کشت و نسل دیده می‌شود؛ و این موضوع را اسلام حرام کرده است. خداوند - عزوجل - و پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این عمل را حرام کرده‌اند. وقتی پیامبر دید که زنی در میدان جنگ کشته شده است، فرمود: "این زن نباید کشته می‌شد؛" به این معنا که قتل او جایز نیست».^۳

۱. محمد بن احمد ابن رشد اندلسی، البیان و التحصیل، ج ۱۷، ص ۸۸.

۲. عضو هیئت کبار علماء و رئیس قوه قضائیه عربستان سعودی.

۳. صالح بن محمد اللحیدان، وجوب العدل و تحریم الظلم، ص ۴.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تصحیح: مجتهدالدین خطیب، [بی‌جا]: المكتبة السلفية، [بی‌تا].
۲. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلّی بالآثار، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: دار الجیل، [بی‌تا].
۳. ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۴. ابن رشد اندلسی، محمد بن احمد، البیان والتحصیل، تحقیق: محمد حجّی، چ ۲، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن عبدالهادی، محمد بن احمد، العقود الدرّیة، بیروت: دار الكتاب العربی، [بی‌تا].
۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، چ ۲، تحقیق: احمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی و ابراهیم عطوه، قاهره: شركة مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۹۵ ق.
۷. حجاوی مقدسی، موسی بن احمد، الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل، تحقیق: عبداللطیف محمد موسی سبکی، بیروت: دار المعرفة، [بی‌تا].
۸. خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، چ ۶، تهران: مکتبه اعتماد الکاظمی، ۱۳۶۶ ش.
۹. _____، صحیفه امام، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. خویی، سیدابوالقاسم، مصباح الفقاهة، تقریر: محمدعلی توحیدی تبریزی، قم: داوری، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. شمس الأئمّه سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بیروت: دار المعرفة، [بی‌تا].
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، چ ۳، تهران: المکتبه الرضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.
۱۳. صنعانی، محمد بن اسماعیل، التنویر شرح الجامع الصغیر، تحقیق: محمد اسحاق محمد ابراهیم، ریاض: مکتبه دار السلام، ۱۴۳۲ ق.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. عوده، سلمان بن فهد، دروس للشیخ سلمان عوده، در وبسایت اسلاموب.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۱۳۶۴ ش.
۱۹. اللحیدان، صالح بن محمد، وجوب العدل و تحریم الظلم علی الناس كافة، ریاض: وزارة الشؤون الإسلامية و الدعوة، ۲۰۰۱ م.
۲۰. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، یستلونک عن...، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم: دارالنشر الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۳۱ ق.
۲۳. _____، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية ۱۳۷۱ ش.

پایگاهها و وبسایتها:

۱. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <http://Khamenei.ir>
۲. پایگاه دکتر حسام الدین بن موسی عفانه، به نشانی: <http://yasaloonak.net>
۳. پایگاه اسلاموب: <http://islamweb.net>